

Analysis of Visual Forms in Iranian Murals

1. Mojdeh Pajouhesh^{✉*}: Master's Degree, Art Research Department, Payam Noor University, East Tehran Center, Tehran, Iran.

*Corresponding Author's Email Address: mojdehpajouhesh4311@gmail.com

How to Cite: Pajouhesh, M. (2024). Analysis of Visual Forms in Iranian Murals. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 2(3), 25-42.

Abstract:

Mural painting can be considered the earliest form of human artistic creation in the history of art, which has continued from ancient times to the present and whose influence on human life remains significant. These works, in addition to their valuable historical dimension, hold particular importance from an aesthetic perspective. Accordingly, the aim of the present study is to analyze the visual forms in Iranian murals. This research employed a descriptive-analytical and library-based method. The findings indicated that the examination and analysis of visual forms in Iranian murals are highly significant in scholarly studies. The organization of murals in urban spaces requires adherence to the principles of visual forms and pictorial aspects. A considerable portion of the visual pollution, disorder, and chaos observed in urban environments arises from the lack of harmony between these elements and their surroundings. Intensification of such visual disharmonies can lead to the emergence of psychological unrest among citizens throughout the day.

Keywords: Iran, art, mural painting, visual forms, artistic creation.

Received: 23 July 2024

Revised: 30 October 2024

Accepted: 06 November 2024

Published: 11 December 2024



Copyright: © 2024 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

تحلیل فرم‌های بصری در نقاشی‌های دیواری ایران

۱. مؤده پژوهش*¹⁰: کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران شرق، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: mojdehpajouhesh4311@gmail.com

نحوه استناددهی: پژوهش، مؤده. (۱۴۰۳). تحلیل فرم‌های بصری در نقاشی‌های دیواری ایران. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۲(۳)، ۲۵-۴۲.

چکیده

نقاشی دیواری را می‌توان نخستین شکل آفرینش هنری بشر، در تاریخ هنر دانست که از گذشته‌های دور تا امروز ادامه یافته و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها همچنان پابرجاست. این آثار، علاوه بر جنبه تاریخی ارزشمند، از منظر زیبایی‌شناختی نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. از این رو هدف پژوهش حاضر، تحلیل فرم‌های بصری در نقاشی‌های دیواری ایران است، در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌ها حاکی از آن بود که بررسی و تحلیل تحلیل فرم‌های بصری در نقاشی‌های دیواری ایران در مطالعات بسیار حایز اهمیت می‌باشد. ساماندهی نقاشی‌های دیواری با رعایت اصول فرم‌های بصری و جنبه‌های تصویری در فضاهای شهری امری ضروری است. بخش قابل توجهی از آلودگی‌های بصری، هرج و مرج و شلوغی که در محیط‌های شهری مشاهده می‌شود، ناشی از عدم هماهنگی این عناصر با محیط اطراف است. تشدید این ناهماهنگی‌های بصری می‌تواند به شکل‌گیری نآرامی‌های روانی در میان شهروندان در طول روز منجر شود.

کلیدواژگان: ایران، هنر، نقاشی دیواری، فرم‌های بصری، خلق اثر هنری.

تاریخ دریافت: ۲ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۹ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۶ آبان ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۱ آذر ۱۴۰۳



مقدمه

در عصر حاضر، هنر حاصل روابط اجتماعی است و می‌تواند آشکارا در جهت اهداف جامعه تبلیغ شود و به عنوان سلاحی مؤثر در راستای باورها و عقاید یک جامعه به کار گرفته شود. در میان هنرهای مختلف با تکنیک‌های مختلف، نقاشی دیواری از نظر ارتباط با جامعه در سطح بالایی قرار دارد. امروزه نقاشی دیواری از نظر خلق تصاویر بصری، خلق زیبایی و هماهنگی فرم و ریتم، نقش ارزشمندی در زیباسازی شهر ایفا می‌کند. اگر این هنر، به دلیل فضاهای زیبا و باشکوهی که ایجاد می‌کند، به درستی شناخته و به درستی اجرا شود، می‌تواند با هنر معماری تلفیق شود. با ترکیب این هنر با هنر معماری، این قابلیت را دارد که با فرهنگ و هنر اقوام و ملل درآمیزد و به آن شکوه و اعتبار بخشد (1).

می‌توان گفت نقاشی دیواری، به تصویر کشیدن نقوش، اشکال، نشانه‌ها، نمادها، حروف و کلمات و الگوها بر روی دیوار یا هر مکان عمومی است که می‌تواند به عنوان سکو و مکانی برای طراحی، نوشتن، نقاشی و کنده‌کاری استفاده شود. هنر دیوارنگاری در ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد. حجاری‌هایی که بر دیوار کاخ‌ها انجام شده‌اند و همچنین کاشی‌کاری‌ها و نقاشی‌هایی که در گذشته بر دیوار کاخ‌ها دیده می‌شدند، همگی نشان از جایگاه والای این هنر در تاریخ هنر ایران دارند، مناظر شهری ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با دیوارهای شهری دارد. از آنجایی که مهم‌ترین مسئله نقاشی‌های دیواری ایران در راستای شکوفایی هویت و فرهنگ هر شهر و کشوری است، این موضوع در ایران نیز از اهمیت بالایی دارد (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۳: ۶۹)، نایستی نقاشی دیواری را به عنوان روشی صرفاً تزئینی یا ابزاری برای پیام‌رسانی تلقی کرد. بلکه باید آن را به‌عنوان هنری چندوجهی و عمومی پذیرفت که می‌تواند سایر گرایش‌های هنری را نیز دربرگیرد (1).

دیوار شهرهای ایران طی سال‌های گذشته مسیرهای متنوعی را پشت سر گذاشته‌اند و گاهی در ایجاد ارتباط مؤثر با شهروندان، عملکرد ضعیفی داشته‌اند. در دوران پهلوی دوم، با شکل‌گیری شرکت‌های تبلیغاتی، دیوارهای این شهر به محلی برای تبلیغات تجاری کالاها و محصولات وارداتی تبدیل شدند. در دوران انقلاب نیز این دیوارها بستر نوشتن شعارها و نقل‌قول‌های شخصیت‌های مهم بودند. در سال‌های اخیر، هنر مردمی نیز روی دیوارها نمود پیدا کرده و به تدریج مردم شاهد نقاشی‌های دیواری بزرگ و نقش‌برجسته‌هایی بوده‌اند که تصاویری از گروه‌هایی از مردم را به نمایش گذاشته‌اند. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در ارتباط با موضوع پژوهش، مشخص شد که تاکنون هیچ مطالعه‌ای به نقد و تحلیل فرم‌های بصری در نقاشی‌های دیواری ایران نپرداخته است. می‌توان چنین بیان نمود این پژوهش یکی از نخستین تلاش‌ها در این زمینه محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه تجربی

یکی از کهن‌ترین هنرهای سنتی در القای معانی و پیام‌ها، نقاشی دیواری است، که از جمله پیشرفته‌ترین هنرها بوده و با ارائه جلوه‌های بصری در فضاهای بیرونی و عمومی، همواره تأثیر قابل توجهی بر مخاطبان و شهروندان داشته است. در قرون اولیه، انسان‌ها برای دستیابی به اهداف و برنامه‌های خود، با استفاده از امکانات محدود خود، آثار و نقاشی‌هایی را بر روی دیوارهای غار ترسیم می‌کردند که بیشتر جنبه‌های آیینی و جادویی داشت. با گذشت زمان، انسان‌ها، ابزارهای مورد استفاده خود را نیز ارتقا دادند. هنر نیز در اثر پیشرفت بشر وارد مرحله جدیدی شده و نقاشی دیواری با تغییر در ساختارهای شهری در دوران معاصر و ایجاد مفاهیم جدید شهرنشینی، دستخوش تغییراتی شده است (2).

نقاشی دیواری علاوه بر ایجاد نوعی هویت بصری در فضا، به عنوان یک رسانه عمل می‌کند. این هنر شامل نقش اشکال، نشانه‌ها، نمادها و متن نوشتاری است که بر روی دیوارهای شهر ایجاد می‌شوند و این توانایی را دارد که به عنوان یک هنر انعطاف‌پذیر، نقش مؤثری در رشد و غنی‌سازی، فضای شهری ایفا کند و نوعی نظم و زیبایی را به ارمغان بیاورد. تحولات هنری که در سال‌های اخیر در ایران رخ داده است، هنر نقاشی دیواری را به ویژه در تهران متحول کرده است، اما هدف اصلی از طراحی این نقاشی‌ها، ایجاد نوعی هویت بصری در فضا است. این نقاشی‌های دیواری فرصتی برای رشد خلاقیت مخاطب در زیباسازی شهر مخصوصاً شهر تهران ایجاد کنند و با ظاهری متمایز از آثار گذشته و نوآوری در استفاده از نمادهای سنتی در هنر ایران، به تخیل آنها کمک کرده و زمینه‌ای برای درک و دریافت زیبایی‌شناختی آنها فراهم کنند. نقاشی دیواری، هنری است که مخاطب آن عموم مردم هستند که در ارتباط با فضای معماری و شهری قرار دارند و می‌توانند تداعی‌های مختلفی را برای شهروندان ایجاد کنند. بنابراین، "طراحی اصولی نقاشی‌های دیواری و استفاده هوشمندانه از ایده طرح و رنگ در آنها می‌تواند به بهبود زیبایی گرافیکی محیط شهری کمک کند و در هدایت بصری اصل تمرکز و خوانایی بسیار مؤثر باشد." مطالعات زیادی در مورد نقاشی‌های دیواری انجام شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

رسولی‌پور و قاضی زاده (۱۴۰۳) به مطالعه تحلیل دیوارنگاره‌های میدان ولی عصر (عج) با رویکرد جامعه‌شناسی هنری پی‌یر بوردیو پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد موضوعاتی که هنرمندان نقاشی‌های دیواری میدان ولی عصر (عج) اغلب بر آن تمرکز دارند، شرایط و رویدادهایی است که در جامعه ملی و بین‌المللی رخ داده است (3).

در پژوهش دیگری که کشیر و کشیچیان مقدم (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر کیفیت‌های بصری محیط بر نقاشی دیواری. پیکره پرداختند، نتایج نشان داد کیفیت‌های بصری محیط، هر کدام ویژگی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارند که بسته به شرایط دیوار، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فرآیند طراحی و اجرای نقاشی دیواری دارند (4).

نقاشی دیواری

هر نوع علامت‌گذاری که به صورت اشکال نوشتاری ساده کلمات یا به صورت نقاشی‌های استادانه باشد، نقاشی دیواری نامیده می‌شود. اصطلاح «نقاشی دیواری» یکی از اصطلاحات تخصصی و رایج در حوزه هنر است که دارای چهار جزء است: نقاش (صفت عربی) + ی (خالق) + دیوار (اسم) + ی (نسبت)، که هم به فرآیند شکل‌گیری اثر و هم به اثری که روی دیوار نقاشی می‌شود، اشاره دارد. امروزه خلق یک نقاشی دیواری تنها به اجرای آن بر روی یک دیوار عمودی با ابزارهایی مانند قلم‌مو و رنگ کافی نیست، بلکه شاهد خلق آثار متنوعی هستیم که گاه با آثار گرایش‌های هنری جدید قابل رقابت هستند (5).

بنابراین اصطلاح «نقاشی دیواری» به چیزی بیش از خلق یک اثر هنری در مقیاس بزرگ به جای بوم با سطح چوبی و اینکه صرفاً روی دیوار انجام شود، اشاره دارد. در عین حال، این عنوان به یک ویژگی خاص یا بهتر بگوییم، یک حس خاص نیز اشاره دارد که الزامات فنی و زیبایی‌شناختی را مشخص می‌کند؛ زیرا محل دائمی اثر، بخش جدایی‌ناپذیر و اساسی ساختمان محسوب می‌شود.

نقاشی دیواری هرگز به معنای چیزی نیست که به دیوارها اضافه شده باشد؛ بلکه چیزی است که در ماهیت ساختمان ادغام شده و با معماری ساختمان یک کل را تشکیل می‌دهد. در واقع، باید معماری را تکمیل کند. در نقاشی دیواری، تصاویر باید مطابق با اصول منطقی در مکان‌های مناسب معماری ساختمان نقاشی

شوند تا تحسین، بینندگان را برانگیزند. اگر نقاشی دیواری صرفاً برای پر کردن سطوح دیوار با اشکال به کار رود، گویی نقاش فقط سعی در ترسیم تصاویر بسیار بزرگ داشته است که این امر تأثیر بسیار زیان‌باری بر کیفیت نقاشی دیواری خواهد داشت (6).

زیبایی‌شناسی نقاشی دیواری

این اصطلاح به احساس رضایت و لذت از آثار هنری و مراحل خلق آنها اشاره دارد. بر اساس تجربیات مختلف، زیبایی‌شناسی معنادارتر و عمیق‌تر از آن چیزی است که معمولاً شناخته می‌شود، اما لزوماً با آن متفاوت نیست. در واقع، زیبایی‌شناسی حس شادی و خوشبختی است که افراد در زندگی روزمره خود به دنبال آن هستند و گاهی با تمرکز بر مشکلات و کاستی‌های ناشی از موانع بیرونی، انگیزه و محرکی برای حرکت پیدا می‌کنند که در نهایت منجر به خلق اثری ارزشمند می‌شود. به همین دلیل، نقاشان دیواری برای مراحل و فرآیندهای انجام کار ارزش زیادی قائلند زیرا این مراحل به آنها در اوج و پیشرفت کار کمک می‌کند و از سوی دیگر، این فعالیت منظم و سازمان‌یافته در قالب مفهومی مفید و گویا، تأثیر بسزایی در رشد و پیشرفت جمعی آنها دارد. در این مرحله، زیبایی‌شناسی را می‌توان احساس رضایت و خشنودی از این فعالیت دانست. با توجه به این نکات، این حرکت و انگیزه مطابق با میل و اشتیاق آنها برای ایجاد کنش و واکنش‌های عمیق و گسترده بین نقاشان دیواری و دنیای اطراف است. زیبایی‌شناسی در معنای خاص، ادراک و استنباطی است که در فرآیند ساخت اثر یا به عبارت دیگر، تلاش برای دستیابی تدریجی و درک اثر، مطرح است و حرکتی است که مراحل خاص خود را دارد، مراحل و اشکالی از انتظار نارضایتی و رضایت، و حسی فزاینده که همه آنها در نهایت به خلق تصویر نهایی منجر می‌شود (7).

ویژگی‌های نقاشی دیواری

نقاشی دیواری شامل تعامل خاص این هنر با معماری، فضا، و جامعه است. دیوار به عنوان عنصر اساسی در نقاشی دیواری، یا به طور مستقیم بستر اجرای اثر هنری قرار می‌گیرد یا نقاشی بر روی زمینه دیگری اجرا شده و سپس بر دیوار نصب می‌شود. این شاخه از هنر نه تنها به خلق آثار در ابعاد بزرگ محدود نمی‌شود، بلکه از مفاهیمی فراتر از هنر نیز تبعیت می‌کند.

نقاشی دیواری همواره تحت تأثیر مستقیم معماری و محیط پیرامون خود قرار دارد و از اصول زیبایی‌شناسی منحصربه‌فردی پیروی می‌کند که آن را از نقاشی سه‌پایه‌ای متمایز می‌سازد. برخلاف نقاشی‌های سه‌پایه که بیشتر تحت تأثیر درونیات و دنیای شخصی هنرمند شکل می‌گیرند، نقاشی دیواری نیازمند هماهنگی با عوامل بسیاری مانند معماری، زیبایی‌شناسی اجتماعی و روان‌شناختی مخاطبان است (8).

این ویژگی‌ها سبب شده تا نقاشی دیواری نه تنها بیانگر مهارت‌های هنری باشد بلکه به نوعی نمایشگر ارتباط متقابل میان هنرمند، محیط و جامعه مخاطب با اثر نیز تلقی شود. به همین دلیل، چنین اثری باید همزمان هم با ساختارهای بصری و معماری هماهنگ باشد و هم با نیازها و درک مخاطبان خود تطابق یابد (9).

سبک و قالب هنری نقاشی‌های دیواری

بر اساس مفاهیم نشانه‌شناسی و تفکیک بصری آثار هنرهای تجسمی، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود. علائمی که هنرمند در اجرای نقاشی‌های دیواری و انتقال اهداف و ارزش‌های مدنظر خود استفاده می‌کند، در سه گروه شمایی، نمایه‌ای و نمادین قرار می‌گیرند. همچنین، پیام‌های بصری موجود در این آثار هنری به سه دسته شبیه‌سازی، انتزاعی و یادمانی طبقه‌بندی می‌شوند (10). در نخستین روش، زمانی که فرم به مقصود نزدیک می‌شود و مخاطب قادر است معنا را

به صورت صریح و آشکار ادراک کند، اثر شمایی نامیده می شود. با این حال، اگر یک شمایل صرفاً استعاره‌ای از مفهوم باشد و نه خود موضوع اصلی، در دسته آثار نمایه‌ای یا استعاری جای می گیرد. در مقابل، دسته سوم مربوط به اطلاعات بصری است که به صورت مستقیم از طریق سیستم‌های سمبل‌ها یا نمادهای گوناگون مطرح می شوند. پیرس این دسته از نشانه‌ها را به عنوان نمادهای قراردادی معرفی می کند (11). در اینجا تصاویر نمادین نیازی به شباهت یا پیوند وجودی با موضوع خود ندارند، بلکه صرفاً بر اساس قرارداد یا پذیرفتن عمومی معنا می یابند. علاوه بر این، بر اساس مفاهیم مطرح شده در مباحث نظری هنرهای تجسمی، همچون آنچه داندیس بیان می کند، عناصر بصری به سه دسته طبیعت‌گرایانه، انتزاعی و رمزآلود تقسیم می شوند. آثار طبیعت‌گرایانه ممکن است صرفاً بازنمایی طبیعت باشند یا نسخه ساده شده‌ای از آن. در این میان، گروهی از تصاویر که از طریق قرارداد یا آموزش معانی خاصی را منتقل می کنند، سمبل نامیده می شوند. داندیس همچنین نوشته‌ها را به دلیل ماهیت بصری انتزاعی‌شان و این که تنها از طریق قرارداد و آموزش قابل فهم‌اند، در گروه آثار انتزاعی و سمبلیک طبقه‌بندی می کند (12).

شاخص‌های ارزیابی مؤلفه ساختار بصری

در دیوارنگاره‌های شهری این شاخص‌ها اهمیت بسیاری دارند. دیوارنگاره‌ها به عنوان یکی از ابزارهای مهم زیباسازی محیط شهری، نه تنها به القای حس آرامش کمک می کنند، بلکه در جهت اطلاع‌رسانی نیز نقش قابل توجهی ایفا می نمایند. برای دستیابی به این اهداف، از عناصر بصری همچون رنگ، شکل، اندازه، مواد و مصالح با کارکردی زیباشناسانه استفاده می شود. هنرمند دیوارنگاره برای خلق اثری جذاب و ساختاری بصری مطلوب از تکنیک‌های متنوعی بهره می برد که شامل ترکیب‌بندی مناسب، استفاده هوشمندانه از رنگ، نورپردازی و دیگر عناصر بصری است. اصل وحدت و یکپارچگی اجزای تشکیل دهنده دیوارنگاره و نحوه سازماندهی آن‌ها نقش بسزایی در جذب مخاطب و میزان تأثیرگذاری اثر دارد. این عوامل همچنین بر انتخاب تکنیک و قالب هنری توسط هنرمند تأثیر مستقیمی می گذارند. هماهنگی میان تناسبات، موقعیت مکانی و میزان دیدپذیری در ارتقای کیفیت بصری دیوارنگاره‌ها تأثیر بسزایی دارد (12).

شاخص، موارد و معیارهای تحلیل

ترکیب‌بندی

به معنای تنظیم و سازمان‌دهی اجزای یک اثر هنری است، تا وحدت و تناسب میان بخش‌های مختلف آن ایجاد شود. هنرمند با استفاده از اصول ترکیب‌بندی می‌کوشد اثری چشم‌نواز ارائه دهد. البته این جذابیت بصری نسبی بوده و ممکن است برای همه بینندگان به یک اندازه دل‌نشین نباشد. تسلط بر اصول درست ترکیب‌بندی و به‌کارگیری آگاهانه آن می‌تواند نقش مهمی در خلق زیبایی بصری ایفا کند (13).

رنگ

اهمیت و تأثیر رنگ در زندگی مفاهیم گوناگونی را در ذهن ما تداعی می‌کند. می‌توان رنگ را یکی از عناصر اصلی کار هنرمندان نقاش به شمار آورد. هنرمندان در خلق آثار خود بیشتر از هر چیز به رنگ متکی هستند. علاوه بر هنرمندان نقاش، در تمامی شاخه‌های هنرهای تجسمی نیز رنگ همواره به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها و عناصر بنیادی مورد توجه قرار گرفته است (14).

زیبایی‌شناسی

واژه زیبایی‌شناسی از ریشه یونانی استیقا به معنای حساسیت گرفته شده است. این اصطلاح بیشتر به درک هنر، تجربه احساسی مرتبط با آن و همچنین به نحوه استفاده از حواس برای شناخت و کسب معرفت اشاره دارد. هدف اصلی از مطالعه زیبایی‌شناسی، درک چگونگی تعامل با محیط پیرامون و یافتن جایگاه واقعی فرد در آن محیط است (15).

تعامل با معماری و محیط

بررسی معماری و محیط نشان می‌دهد که اثر دیواری باید در موقعیتی مناسب از ساختمان اجرا شود تا نه تنها انسجام دیوارها و کل ساختمان حفظ شود، بلکه بتواند ارتباط بصری و مفهومی مؤثری با مخاطب ایجاد کند. به همین دلیل، نقاشی دیواری می‌تواند از ظرفیت‌های سایر رشته‌ها و گرایش‌های نوین بهره‌مند شود و برای بهبود هماهنگی با محیط و تعامل با مخاطب به‌کار رود. از این طریق، نقاشی دیواری می‌تواند شکاف‌های موجود میان عناصر بصری طبیعت و ساخته‌های انسانی را در قالب ساختارهای نوین پر کرده و در نهایت به هدف اصلی خود، یعنی ایجاد آرامش و هماهنگی با محیط، دست یابد (1).

فرم

یکی از اجزای اساسی یک اثر هنری به شمار می‌آید و می‌توان آن را یکی از مفاهیم پایه‌ای و بنیادین در هنر دانست. هرچند در عمل، معنا یا مضمون هنری جدایی‌ناپذیر از فرم است، اما از منظر تئوری امکان تفکیک این دو وجود دارد. به بیان دیگر، همان‌طور که فرم هنری می‌تواند معنا و مضمونی خاص را به ذهن متبادر کند، هر معنا و مضمونی نیز برای جلوگیری از ایجاد ناسازگاری معنایی در اثر هنری، نیازمند ارائه در قالب فرمی متناسب است (16).

تجزیه و تحلیل نقاشی‌های دیواری

در این بخش، با انتخاب نمونه‌هایی از نقاشی‌های دیواری در شهرهای مختلف ایران، این آثار مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

تحلیل نقاشی دیواری شماره ۱



شکل ۱. نقاشی دیواری، برگه از شاهنامه فردوسی، میدان فردوسی، شهر مشهد (<https://www.Razavi.news>)



شکل ۲. نقاشی دیواری برگه از شاهنامه فردوسی میدان فردوسی شهر مشهد (<https://www.Razavi.news>)

ترکیب بندی

این نقاشی از انواع نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی بهره گرفته است. ویژگی بارز اثر، تکرار تصاویر در فاصله‌های معین که باعث ایجاد حس استمرار می‌شود. این تکرار منجر به انسجام کلی در طرح شده و ذهن مخاطب را به جستجوی پیوستگی میان اجزا و می‌دارد، به گونه‌ای که ناخودآگاه شکاف‌های بین طرح‌ها را پر می‌کند. اثر حاضر از نظر ترکیب‌بندی، به سمت نامتقارن بودن تمایل دارد. ترکیب‌های متعادل و نامتقارن با استفاده از فضای منفی به هنرمند امکان انعطاف‌پذیری بیشتری می‌دهند و زمینه را برای خلق ابداعات تازه، زیبا و متعادل فراهم می‌کنند. این شیوه به نقاش اجازه می‌دهد تا ترکیب‌هایی نوآورانه و بدیع ایجاد کند.

در ترکیب‌بندی متعادل و نامتقارن، خلاقیت هنرمند در ساخت فضاهای متنوع نقش اساسی ایفا می‌کند. توزیع فرم‌ها با اندازه‌های مختلف نه تنها به تعادل بصری کمک می‌کند، بلکه ترکیبی زیبا و پویا را ایجاد می‌کند. در مقابل، ترکیب‌بندی‌های متقارن اگرچه تعادل دارند، اما معمولاً با کشیدن یک خط عمودی فرضی میان کار، فرم‌ها در دو طرف این خط به صورت قرینه قرار می‌گیرند و در نتیجه نوعی تعادل ساده و معمولی را به نمایش می‌گذارند.

در این اثر، حرکت بصری عناصر و نیروهای درون کادر به شکلی است که به دلیل توزیع تقریباً یکنواخت سنگینی در سراسر تصویر، توانسته توازن را برقرار کند. کشیده شدن سربازان سوار بر اسب به سمت جلو نیز حالتی نامتعادل را ایجاد کرده است که حس حرکت رو به جلو را به نمایش می‌گذارد (تصاویر ۴ و ۳).

ترکیب‌بندی متوازن زمانی در یک اثر تجسمی ایجاد می‌شود که انرژی بصری اجزای آن، نسبت به یکدیگر و به کل اثر، در حالتی متعادل قرار گیرند. اگرچه این اجزا ممکن است نسبت به هم قرینه نباشند، اما توازن در واقع نشان‌دهنده روابط متعادل عناصر بصری در یک ترکیب غیرمتقارن است.



شکل ۳. تحلیل نقاشی دیواری شماره ۱ استفاده از نقوش، انسانی حیوانی گیاهی و نقوش هندسی)

رنگ

استفاده از رنگ‌های شاد و ایجاد تعادل میان رنگ‌های سرد و گرم در این اثر کمک می‌کند تا مخاطب به راحتی با این نقاشی دیواری ارتباط برقرار کرده و تجربه‌ای کامل از لذت بصری کسب کند. در این اثر، رنگ‌های به کار رفته جلوه‌ای گوناگون و زیبا به عناصر مختلف داده‌اند. لباس‌های نقوش انسانی در طیف آبی ظاهر شده‌اند و قسمت‌هایی آجری‌رنگ آن را تکمیل می‌کنند. اژدها با ترکیبی از رنگ‌های قهوه‌ای، مشکی و نارنجی به تصویر کشیده شده است. اسب و آهو با رنگ مشکی و شیر با رنگ قرمز در تصویر جای گرفته‌اند. تضاد قوی رنگ‌ها در کنار هم آرایشی چشم‌نواز را ایجاد کرده‌اند که با جذابیت بصری همراه است و هیچ اختلالی در درک بیننده ایجاد نمی‌کند.

زیبایی‌شناسی

جنبه زیبایی‌شناسی این نقاشی (تصویر ۳)، ترکیبی از معنا، خوانایی و ماندگاری دارد که به راحتی برای مخاطب قابل فهم است. یک نقاشی دیواری می‌تواند از زوایای مختلف مانند خوانش، دیداری و تمایز، ارتباطی منحصر به فرد با فضای اطراف و مخاطب خود ایجاد کند. این اثر هنری در هر سه زمینه با هویت مفهومی خود هماهنگ شده و عناصر زیبایی‌شناسانه‌ی خاص خود را آشکار می‌سازد. با توجه به شکل و ساختار بیان شده، این نقاشی دیواری دارای ویژگی‌هایی است که ترکیبی دل‌انگیز برای تحلیل زیبایی‌شناسانه ارائه می‌دهد.

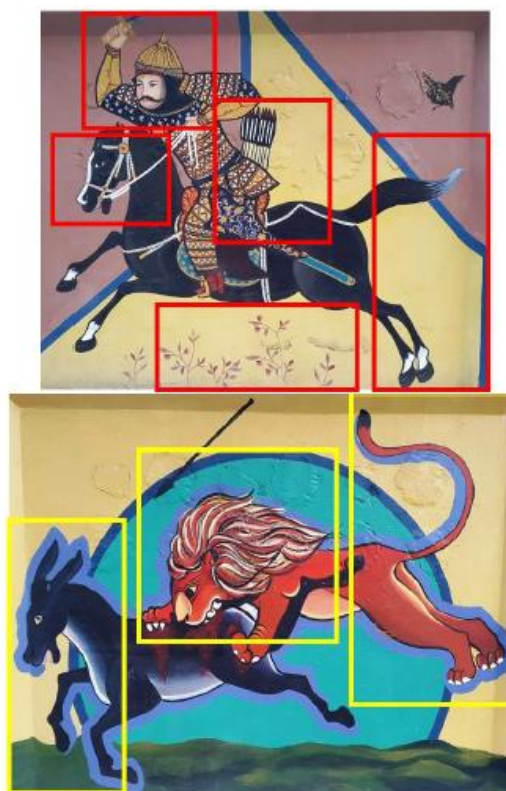
تعامل با معماری و محیط

شخصیت‌هایی که در این طراحی اجرا شده‌اند، به لحاظ فرهنگی با محیط پیرامون مرتبط هستند و از نظر زیبایی‌شناسی و تکنیک در سطح قابل قبولی قرار دارند. با این حال، نمی‌توان به وضوح اظهار کرد که این طرح‌ها کاملاً با محیط تعامل برقرار کرده‌اند. در این تلاش، سعی بر آن بوده که با ایجاد جذابیت بصری، هویت فرهنگی به شهروندان منتقل شود، اما دستیابی به نتیجه‌ای کاملاً رضایت‌بخش همچنان موجب تردید است. این اثر دارای هویتی مشخص و معنادار است که خوانشی خوب و به‌یادماندنی دارد و به شکلی آسان برای مخاطب قابل درک است.

فرم

در طراحی این نقاشی دیواری، از فرم‌های دایره، مثلث، مستطیل و منحنی استفاده شده است. برای نمایش هماهنگی میان نام اثر و نوع نقاشی دیواری، فرم‌های معناداری به کار گرفته شده‌اند. به طور خاص، برای ترسیم اژدها از منحنی‌های کوچک و بزرگ و خطوط موج‌دار بهره برده شده است تا حس پویایی و انسجام در طرح تقویت شود.

در این اثر، از فرم مستطیل برای نمایش ادوات جنگ استفاده شده است، در حالی که کلاه‌ها به شکل نیم‌دایره طراحی شده‌اند و تیر و کمان‌ها نیز با خطوط منحنی ترسیم شده‌اند. همچنین، فرم‌های دایره و مثلث در پس‌زمینه نقاشی دیده می‌شود. در این اثر، از فرم‌های معناداری که متون شاهنامه بر روی آنها نوشته شده، بهره گرفته شده است؛ این عناصر نماد هویت و فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌روند.



شکل ۴ تحلیل نقاشی دیواری شماره ۱ فرم‌های دایره مثلث مستطیل و منحنی

تحلیل نقاشی دیواری شماره ۲



شکل ۵. نقاشی دیواری، شمشه‌های هندسی؛ بر اساس طرحی از محمود آزادنی، بر دیوار تقاطع بلوار مجد و بلوار شهید قمری مشهد

(<https://www.Mashhadart.com>)

ترکیب‌بندی

این اثر از یک شکل کلی واحد استفاده می‌کند که اجزای آن به هم پیوسته هستند. علاوه بر این، در این اثر، عنصر خط و خط‌کاری به طور مکرر برای ایجاد نقوش هندسی استفاده شده است. این نقاشی نامتقارن است، در حالی که تعادل و هماهنگی در ترکیب‌بندی‌ها و رنگ‌ها رعایت شده است. در این نقاشی دیواری، حرکت یک الگو با استفاده از عناصر خط به صورت منظم است که چشم بیننده را با حرکات خاص مانند ریتم به حرکت در می‌آورد.

رنگ

در این اثر، دیوار با رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای (آبی و رنگ‌های آرامش‌بخش) محدود نقاشی شده است.

زیبایی‌شناسی

این نقاشی دارای هویتی معنادار، خوانا و به یاد ماندنی است که به راحتی توسط مخاطب درک می‌شود. یک نقاشی دیواری در هر یک از سه حوزه خواندن، دیدن و وضوح به شیوه‌ای خاص و متفاوت با مخاطب و محیط ارتباط برقرار می‌کند و هویت مفهومی خود را مطابق با هر یک تجسم می‌بخشد. با توجه به شکل (۵) و ساختار نقاشی دیواری فوق، این اثر دارای مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی زیر است:

- ارتباط با محیط و مخاطب و ایجاد هویت بصری و مفهومی قابل درک
- ترکیب‌بندی و تکنیک اجرایی مناسب طرح
- انسجام اجزای طرح
- توجه به هویت محلی

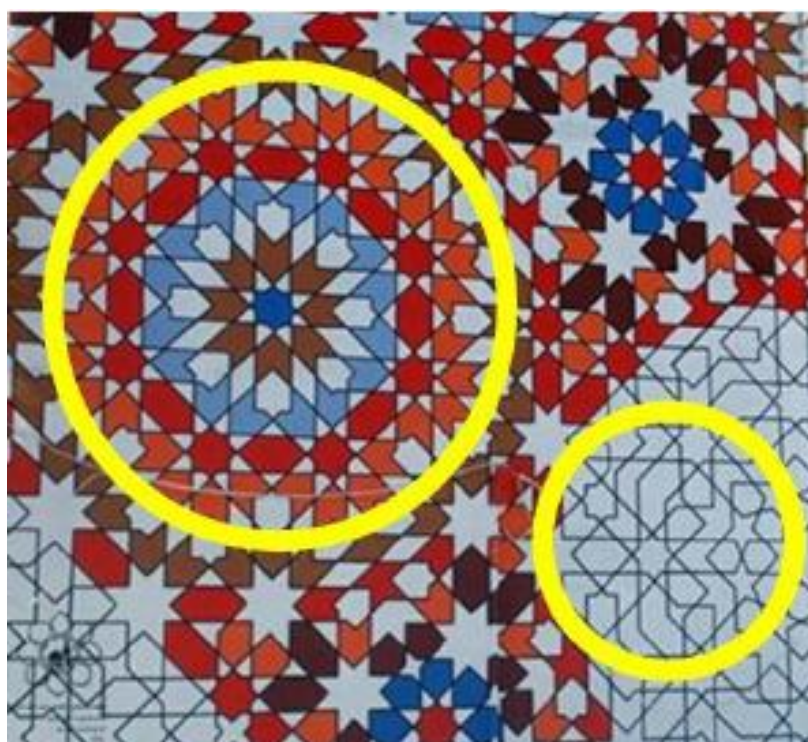
- توجه به خوانایی با توجه به موقعیت مکانی
- عدم وجود عناصر مزاحم بصری برای طرح

فرم

این نقاشی از اشکال مربع، مثلث و لوزی استفاده می‌کند. در این اثر، اشکال و فرم‌های هندسی که یادآور هنر سنتی هستند (مانند فرم طلوع خورشید در اشکال مختلف و استفاده از نقوش و خطوط هندسی (شکسته)) بر سایر فرم‌ها برتری دارند (شکل ۶)

تعامل با معماری و محیط

کیفیت طراحی و اجرای این نقاشی دیواری در یک فضای شهری پر جنب و جوش، تا حدودی به حل مشکلات معماری محیطی و ایجاد فضایی مطلوب‌تر کمک خواهد کرد. در این اثر، با استفاده از نقوش مرتبط با فرهنگ و هنر ایرانی، سعی شده است ارتباط بهتری با محیط و مخاطب ایجاد شود. طرح اجرا شده کاملاً برگرفته از نقوش ایرانی و برای مخاطب آشناست و محیطی شاد با رنگ‌های متنوع ایجاد کرده است. با این حال، با تمام این تعاریف، نمی‌توان به طور قطعی در مورد تأثیر مثبت آن بر معماری و محیط اظهار نظر کرد.



شکل ۶. تحلیل نقاشی دیواری شماره ۲ استفاده از فرم‌های هندسی: مربع، مثلث و لوزی

جدول ۱. جمع بندی و تحلیل نقاشی های دیواری

نقاشی دیواری	ترکیب بندی	رنگ	زیبایی شناسی	تعامل با معماری و محیط	فرم
	نامتقارن و نامتوازن	ترکیبی از رنگ های گرم و سرد -رنگ های شاد و می کند سرزنده	از مولفه های زیبایی شناسی تبعیت می کند	دارای تعامل با معماری محیط	فرم های دایره، مثلث، مستطیل و منحنی
	نامتوازن و نامتقارن	ترکیبی از رنگ های گرم و سرد -رنگ های شاد و می کند سرزنده	از مولفه های زیبایی شناسی تبعیت می کند	دارای تعامل با معماری محیط	مربع، مثلث و لوزی
	نامتوازن و نامتقارن	ترکیبی از رنگ های گرم و سرد -رنگ های شاد و می کند سرزنده	از مولفه های زیبایی شناسی تبعیت می کند	دارای تعامل با معماری محیط	

نتیجه گیری

دیوارنگاره ها از جمله عناصر گرافیک محیطی هستند که تأثیر بسزایی در زیباسازی نماهای شهری دارند. این آثار هنری علاوه بر افزایش جذابیت بصری، نقشی موثر در به تصویر کشیدن هویت فرهنگی یک شهر ایفا می کنند. دیوارهای شهری که به عنوان اجزای اساسی منظر شهری محسوب می شوند، در گذر زمان وظایف و کاربردهای متنوعی یافته اند. دیگر نمی توان دیوارها را صرفاً به عنوان عناصری خنثی در نظر گرفت، چرا که گاه به عرصه ای برای بیان دیدگاه ها و خواسته های برخی اقشار جامعه، به ویژه طبقات فرودست، تبدیل شده اند. از این منظر، دیوارها نمایانگر هویت فضاهای شهری محسوب می شوند و تأثیری قابل توجه در شکل دهی و بیان هویت فردی و جمعی شهرنشینان دارند. در بین تمام رسانه های هنری حاضر در فضاهای شهری، نقاشی های دیواری بیشتر از همه توجه شهروندان را به خود جلب می کنند و سهم ویژه ای در طراحی فرم بصری شهر ایفا می نمایند. به همین دلیل، پرداختن به مبانی فرهنگی و هویتی، همراه با

توجه به هنر سنتی در نقاشی‌های دیواری، نقش مهمی در بهبود کیفیت فضاهای شهری و بازنمایی هویت و فرهنگ کشور دارد. در اجرای دیوارنگاری، انتخاب دیوار به‌عنوان بستر نمایش اثر هنری مستلزم ایجاد هماهنگی با عوامل محیطی و معماری است. این هماهنگی شامل تعامل با محیط، شکل‌دهی فرم، بهره‌گیری از رنگ، و ترکیب‌بندی زیباشناختی به‌عنوان عناصر تأثیرگذار معماری و هنری می‌باشد. علاوه بر این، ضروری است که نقاشی دیواری در تعامل با ساختارهای روان‌شناختی، زیباشناختی و جامعه‌شناختی، که به‌عنوان دریافت‌کنندگان آثار هنری عمل می‌کنند، سازگار باشد. دیوارنگاری به دلیل ارتباط مستقیم با محیط اطراف، معماری و افراد، به‌عنوان یک شاخه هنری ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این ویژگی‌ها باعث می‌شوند دیوارنگاری به‌طور موثری نیازهای زیبایی‌شناختی فضاهای شهری را برآورده کند. برای دستیابی به درک و آگاهی صحیح در این حوزه، می‌توان مطالعات این هنر را در چارچوب‌هایی مانند بررسی محدودیت‌ها و ویژگی‌های بصری یک اثر دیواری، ارتباط آن با دیوار، عوامل بصری مرتبط، نقش کاربردی دیوار در محیط و همچنین تأثیر مخاطب در ارتباط با دیوار طبقه‌بندی کرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Mural painting, as one of the earliest and most enduring forms of human artistic creation, carries a deep historical, cultural, and aesthetic significance that transcends time and geography. In Iran, murals have historically served as both artistic expressions and social texts that connect visual culture to political, architectural, and communal narratives. This art form, through its ability to merge forms, symbols, and colors, not only beautifies public spaces but also provides a medium for cultural

memory and identity formation. Iranian mural traditions stretch back to ancient practices such as carvings on palace walls, tilework, and miniature-inspired compositions, all of which demonstrate the integration of art with architecture (1). The aesthetic and social functions of murals, therefore, must be understood not merely as decorative additions but as holistic forms of public art that shape urban identity. As scholars have noted, murals can transcend simple embellishment to become multi-dimensional works that incorporate other artistic tendencies and express social, political, and cultural narratives (1). With the advent of modernity and shifts in urban development, Iranian mural painting has also undergone transformations, reflecting not only traditional forms but also modern social realities, ideological discourses, and the growing demand for public art in rapidly expanding cities.

The historical development of mural art illustrates its adaptability and evolving role in society. In the early periods of human civilization, murals painted on cave walls had ritualistic and magical functions, connecting early humans to their beliefs and survival practices. With urbanization and technological advances, mural art became more sophisticated and complex in its design and message. In the Iranian context, the modern era has been marked by the rise of mural art as an urban practice, often reflecting contemporary cultural identity and collective memory. As Najafi has argued, mural painting in recent decades has moved beyond a ritualistic or purely decorative role to serve as an expressive medium within urban environments, providing visual order, enhancing creativity, and generating aesthetic engagement (2). Importantly, Iranian murals today are recognized as significant components of urban semiotics, offering both aesthetic pleasure and social meaning. For example, studies of murals in Tehran demonstrate how they combine traditional motifs with new artistic experiments to create unique cultural dialogues. These murals not only enhance visual communication but also generate spaces for reflection, collective remembrance, and imaginative projection, which are essential to the evolving urban landscape.

The evolution of mural painting in Iran has been shaped by broader political, cultural, and social contexts. During the second Pahlavi era, city walls were widely appropriated for commercial advertising of imported products, transforming urban walls into economic and consumerist mediums. After the Islamic Revolution, walls were re-signified as political canvases that bore slogans and quotations from prominent leaders. In recent years, however, murals have evolved into more diverse and inclusive forms of art, featuring depictions of ordinary people, cultural heroes, and collective themes. Such transitions illustrate the versatility of mural art in adapting to shifting political and cultural discourses. Rasouli-Pour's sociological study of murals in Tehran's Valiasr Square confirms that mural themes often emerge directly from national and international events, indicating their responsiveness to contemporary realities (3). Similarly, research on environmental aesthetics has highlighted how visual qualities of urban environments directly shape mural design and execution, showing that spatial conditions, lighting, and wall structures are all crucial determinants (4). This underlines that mural art in Iran is both a reflection of social identity and a product of its surrounding environment. Therefore, to critically analyze murals, one must consider not only their visual elements but also their socio-political and environmental contexts, which together define their aesthetic and communicative power.

From a theoretical and technical standpoint, mural painting encompasses principles of form, balance, composition, color, and integration with architectural space. Scholars such as Siqueiros have emphasized that mural art must be conceived as an integral part of architecture rather than as an external addition (6). The logic of mural composition requires harmony between spatial distribution, proportionality, and the aesthetic expectations of the viewers. This necessity becomes even more evident in contemporary urban landscapes where murals are experienced by diverse groups of citizens in public spaces. Aesthetics, in this sense, functions not merely as beauty or pleasure but as a deeper sense of satisfaction and cultural resonance. As Noroni argued, aesthetics in murals involves layered experiences of expectation, dissatisfaction, and eventual fulfillment that culminate in meaningful artistic outcomes (7). The visual language of murals must therefore be accessible, symbolic, and engaging,

blending traditional artistic forms with innovative methods to maintain relevance across time. Furthermore, Iranian murals are often distinguished by their incorporation of naturalistic, abstract, and symbolic elements, which, as Mousavi Lor points out, can range from simplified representations of nature to abstract writings understood only through convention and education (12). This semiotic dimension demonstrates that murals are not merely artistic but also cognitive and communicative structures that negotiate meaning between the artist and society.

The methodology of mural analysis necessitates careful consideration of compositional techniques, color harmony, formal integration, and cultural symbolism. For example, Hofmann highlights how mastery of composition principles allows artists to generate unity and proportion, making their works more visually compelling (13). In Iranian murals, balance between geometric and organic forms often generates a rhythm that is both visually dynamic and culturally rooted. Similarly, the role of color is indispensable, as it conveys mood, creates contrast, and connects the artwork to its social and environmental context. Ghorbanpour Fadaei emphasizes that color serves as a primary element across all visual arts, functioning both symbolically and aesthetically (14). Beyond formal concerns, aesthetics as a philosophical inquiry into perception and sensitivity, as explained by Gruter, underscores how mural art mediates between individual experiences and collective identity (15). In Iran, this interplay is particularly relevant, as murals often symbolize cultural heritage while also addressing contemporary social realities. By integrating architectural and environmental dimensions, mural art fills gaps between human constructions and natural forms, ultimately aiming to establish harmony and calm within urban life (1). These methodological frameworks reveal that mural analysis must encompass not only visual elements but also the cultural, environmental, and social systems that sustain them.

The findings of this study underscore that Iranian mural painting, while rooted in a rich historical and cultural tradition, continues to evolve as a dynamic art form with profound implications for urban identity and citizen well-being. Murals in Iranian cities today embody complex layers of meaning, merging traditional motifs with modern expressions, balancing aesthetic principles with functional demands, and reflecting both local and global influences. By analyzing murals through categories such as composition, form, color, and aesthetic resonance, this research demonstrates that murals are not only vital instruments of beautification but also critical to shaping collective identity, promoting cultural dialogue, and addressing urban psychological needs. Moreover, the study reveals that disharmony in visual forms—through poor design or lack of contextual integration—can lead to visual pollution and psychological discomfort among urban residents. Conversely, well-executed murals can provide tranquility, cohesion, and cultural enrichment. Ultimately, mural painting must be viewed as an indispensable component of urban design and cultural policy, one that merges artistic creativity with social responsibility. By foregrounding the cultural, historical, and aesthetic dimensions of mural art, this research highlights the necessity of embedding murals within a holistic framework of urban development, where art, architecture, and society converge to produce environments that are both visually pleasing and socially meaningful.

References

1. Kafshchian Moghaddam A. An Examination of the Characteristics of Mural Painting. *Fine Arts Journal*. 2004(20):67-78.
2. Najafi J. A Semiotic Analysis of Tehran's Images in the City's Murals. *Sociology of Culture and Art*. 2024;6(4):36-51.
3. Rasouli-Pour S, Ghazi Zadeh AA. An Analysis of Valiasr Square Murals with a Sociological Art Approach Based on Pierre Bourdieu. *Interdisciplinary Journal of Art Research*. 2024;2(1):159-76.
4. Kashir M, Kafshchian Moghaddam A. Examining the Impact of Environmental Visual Qualities on Mural Painting. *Peykareh*. 2020;9(19):42-55.
5. Alavi Nejad SM. A Comparative Study on the Use of Two Terms: Architectural Decorations and Mural Painting in Islamic Art Sources. *Negareh*. 2010(15):5-17.
6. Siqueiros DA. *A Look at the Life and Works of Siqueiros*. Tehran: Donyaye Nur; 2013.

7. Noroni S. The Social Impact of Murals in Urban Spaces. Tehran: Mirdashti Publications; 2014.
8. Kafshchian Moghaddam A. The Burnt Buds of the Revolution's Mural Painting Movement. Khial-e Sharghi Journal. 2006(20):67-78.
9. Ebrahimi Dehkordi A, Saadat Fard M. Evaluating the Impact of Contemporary Mashhad Paintings on Citizens with an Emphasis on Three Dominant Approaches: Commemorative, Abstract, and Simulation. Journal of Fine Arts - Visual Arts. 2018;23(4).
10. Dondis A. A Primer of Visual Literacy. Tehran: Soroush; 2016.
11. Pahlevan F. An Introduction to the Analysis of Formal Elements in Logos. Tehran: University of Art; 2012.
12. Mousavi Lor Aa-S, Shamili L. The Visual Structure of Tabriz Murals. Jelveh-ye Honar Journal. 2011(8):53-66.
13. Hofmann A. The Fundamentals of Visual Arts. Tehran: Aban Publications; 2021.
14. Ghorbanpour Fadaei M, editor A Study of the Role and Position of Color in the Fundamentals of Visual Arts with an Emphasis on Painting. National Conference on Manifestations of Iranian Islamic Art in Culture and Science Documents; 2018; Tehran.
15. Gruter J. Aesthetics in Architecture: Shahid Beheshti University; 2009.
16. Zafarman SJ. The Concept of Form, Especially in Art. Fine Arts Journal. 2002(11):13-21.